اخبار برگزیده

۹۹.۸ درصد تأمین بازار شیرخشک از تولید داخل

مجوز جدید برای واردات نداریم

سخنگوی سازمان غذا و دارو با تأکید بر وضعیت پایدار تولید و تأمین انواع شیرخشک در کشور گفت: ۹۹.۸ درصد تأمین شیرخشک مورد نیاز کشور از تولیدات داخلی است و در یک ماه گذشته هیچ مجوز جدیدی مبنی بر واردات شیرخشک صادر نشده است. دکتر سجاد اسماعیلی در حاشیه دومین روز نمایشگاه رسانه‌های ایران درباره آخرین وضعیت تولید و توزیع شیرخشک در کشور اظهار کرد: در حال حاضر وضعیت تأمین شیرخشک‌های معمولی و رژیمی در کشور پایدار است و به میزان کافی در داروخانه‌ها وجود دارد. وی ادامه داد: تقریبا ۹۹.۸ درصد تأمین شیرخشک از تولید داخلی انجام می‌شود و ۰.۲ درصد نیز مربوط به مجوزهای صادرشده قبلی واردات است. در مجموع در یک ماه گذشته هیچ مجوز جدیدی برای واردات شیرخشک صادر نشده و تولید داخل به‌طور کامل نیاز بازار را تأمین می‌کند. همچنین تمام برندهای شیرخشک که مردم نیاز دارند در بازار وجود دارد. وی افزود: نرخ استعلام‌ها از داروخانه‌ها نیز افزایش یافته و این نشان می‌دهد که مردم با ارائه کد ملی، شیرخشک مورد نیاز خود را با نرخ قبلی از داروخانه‌ها دریافت می‌کنند. گزارش‌های احتمالی مردمی نیز با اعزام تیم بازرسی سازمان غذا و دارو و معاونت‌های غذا و داروی دانشگاه‌ها، مورد بررسی و پیگیری قرار می‌گیرد و با داروخانه متخلف نیز برخورد جدی می‌شود. سخنگوی سازمان غذا و دارو همچنین درباره تولید ماهانه شیرخشک در کشور اظهار کرد: زمانی که تولیدکنندگان سه‌شیفته کار می‌کردند، حدود هشت تا هشت‌ونیم میلیون قوطی شیرخشک در کشور تولید می‌شد و اکنون تولید حدود شش میلیون ماهانه شیرخشک در کشور انجام می‌شود. در مجموع نیاز بازار به‌طور کامل تأمین است و مشکلی در این زمینه وجود ندارد.

عملکرد موفق انستیتو پاستور در دوران کرونا

تولید واکسن مؤثر در کنترل سرطان مثانه

رئیس انستیتو پاستور ایران با اشاره به سابقه صدساله این انستیتو در واکسن‌سازی، درعین‌حال اقدامات انجام‌شده در دوران کرونا و شناسایی اولین موارد این بیماری و طراحی کیت‌های تشخیصی در دوران بحران این بیماری را تشریح کرد. به گزارش ایسنا، دکتر رحیم سروری در حاشیه بازدید از نمایشگاه رسانه‌های ایران ضمن اشاره به تاریخچه و پیشینه صدساله انستیتو پاستور در کشور و واکسن‌سازی و مقابله با بیماری‌ها اظهار کرد: انستیتو پاستور جزء ایرانی‌ترین مجموعه‌هایی است که به موضوع سلامت کشور می‌پردازد و دهمین پاستور از ۳۰ انستیتو پاستور در دنیاست و ارتباطات فراگیر با سایر کشورها دارد. وی افزود: در زمانی که هیچ متولی در مجموعه کشور در زمینه سلامت نبود، انستیتو پاستور حضور داشت. اولین سامانه‌های انتقال خون را در کشور شکل داد و اقداماتی همچون امدادرسانی و ارائه خدمات دارویی همچون پنی‌سیلین را که قبلا به صورت مایع بود و در یخ نگهداری می‌شد، ایجاد کرد، در مجموع باعث ایجاد امیدواری در مردم شد. رئیس انستیتو پاستور ایران ادامه داد: فاز اول انستیتو پاستور مربوط به قبل از انقلاب است و فاز دوم مربوط به دوران جنگ است که خدمات درمانی و بهداشتی خود را به سمت مسائل شیمیایی تغییر داد. فاز سوم نیز به رشدی که هم‌اکنون شاهد آن هستیم، رسیده است. وی همچنین با اشاره به اقدامات انستیتو پاستور ایران در دوران کرونا و شناسایی اولین موارد این بیماری در دوران بحران کرونا، درعین‌حال از شناسایی سویه JN.1 کووید در کشور خبر داد؛ سویه‌ای که مدتی است در کشورهای غربی و اروپایی در گردش است. وی افزود: در دوره کرونا، ایجاد حوزه زیست فناوری گام بزرگی برای تولید سایر واکسن‌ها بود. رشد انستیتو پاستور در زمان کرونا منجر به تولید پاستوکووک شد و واکسن‌سازی در دوره کرونا موفق عمل کرد؛ پاستوکووکی که ۱۶ میلیون دز در کشور تولید شد. سروری ادامه داد: واکسنی نیز برای کنترل سرطان مثانه تولید می‌شود و ۱۲ مرکز آزمایشگاهی کشور در مورد رصد نمونه‌های آبله میمونی توسط این انستیتو ایجاد شده و در این زمینه کیت‌های تشخیصی نیز تولید شده است. همچنین در انستیتو پاستور برای تمامی ساب واریانت‌های کرونا اومیکرون کیت‌های تشخیصی را تولید کردیم. وی افزود: ما در دوره اخیر واکسن‌های متنوعی را تولید می‌کنیم که ازجمله آنها واکسن هپاتیت B، همچنین ب‌ث‌ژ است و برای اولین‌بار اولین صادرات واکسن از ایران بعد از انقلاب به کشور ونزوئلا بود که واکسن ب‌ث‌ژ بود. پس از پاستوکووک نیز واکسن پاستوسیس را در حال تولید داریم که برای بیماری سرطان مثانه از آن استفاده می‌شود. سروری، فاز سوم تاریخ انستیتو پاستور را پایه‌گذاری رشد فعلی این مؤسسه در سال ۷۴ با ایجاد اولین ظرفیت‌های آموزشی در فراورده‌های بیولوژیک دانست و افزود: اغلب واکسن‌های تولیدشده توسط انستیتو پاستور، حتی واکسن‌های اخیر مرهون این دوره است. در این دوره، از ظرفیت روسیه و مدرسان خارجی استفاده شد و با اعزام نیروها به کوبا واکسن هپاتیت B تولید شد.

روایت «شرق» از دیدار اهالی بوکان با سیمینه‌رود

وقتی همه به دیدار رود می‌آیند

زینب رحیمی: در چشم من سیمینه‌رود زنی است قوی، زیبا، خوش‌رو، صبور و بخشنده. روح دارد. وقتی در نگاهش غرق می‌شوی با تو حرف می‌زند. دستانش را دور تو حلقه می‌کند. تو را در آغوش می‌کشد و در گوشت با نوایی کردی آهنگی زمزمه می‌کند که گرچه غمناک است اما نوید روزهای روشن را می‌دهد.

باران که می‌زند صدای خروشان رود در گوش شهر می‌پیچد. اهالی شهر بوکان خواب گرم صبح جمعه را به دست باد سرد زمستان می‌سپارند و برای دیدن سیمینه‌رود به اینجا می‌آیند. روی پل کوسه در مرکز شهر با رودخانه سلفی می‌گیرند. زنان و مردان شانه به شانه در جوار رود قدم می‌زنند. دختران و پسران دست هم را می‌گیرند یک چشمشان به رود و چشم دیگرشان به یار است. رود را گواهی می‌گیرند که هم‌پیمان بمانند در روزهای سخت و آسان. مثل مردم همین دیار که در روزهای تاریک و روشن به سرزمینشان وفادار ماندند.

پیرمردها هم از این ضیافت پررونق جا نمانده‌اند. میزبان همه سیمینه‌رود است. آنها خیره به رود تصویر آن را در ذهن ثبت می‌کنند بدون موبایل، بدون عکس و فیلم. نگاه مرا پیرمردی که به دیوار آهنیِ پل تکیه داده، جلب می‌کند. جامانه به سر بسته همان سربند سیاه و سفید کردی که بوکانی‌ها به آن آقا بانو می‌گویند. سربندی که طی سالیان سال به نماد پایداری تبدیل شده. او چشم در چشم با سیمینه‌رود ایستاده است. انگار که در صحنه‌ای پر از تنهایی دارد ترانه‌ای کردی را در گوش سیمینه نجوا می‌کند. ترانه‌ای که هم رنگ عشق دارد هم بوی گله. گاهی قربان‌صدقه رود می‌رود گاهی از بی‌وفایی او گلایه می‌کند. هرچه هست مرد از دیدن خروش سیمینه‌رود خوشحال است.

سمت راست رود، کوه کوسه صبور و سنگین ایستاده است. نگاه گذرایی به او می‌اندازم. حالا که همه حواس‌ها جمع سیمینه‌رود شده، شاید احساس می‌کند که از رونق افتاده شاید هم از بی‌توجهی آدم‌ها به خودش گلایه ندارد، چون او هم با آن همه غرور برای دیدن زیبایی رودخانه، سر قرار حاضر شده است. در همین لحظه دختربچه‌ای نگاهم را به سمت خودش می‌کشد. یک دست در دست گرم پدربزرگ و دست دیگرش را در دست مهربان مادربزرگش گذاشته است. سه نفره عرض خیابان را رد می‌کنند. او در جایی امن دستان کوچکش را به نرده‌های پل می‌گیرد تا با سیمینه‌رود آشنا شود. رود در چشم او بزرگ است و کمی ترسناک. برخلاف مادربزرگ و پدربزرگش که خاطراتی از روزهای پر جنب و جوش رود را به یاد می‌آورند و افسوس روزهای گذشته را می‌خورند. هنوز بعضی از مردم سیمینه‌رود را تاتائوچای صدا می‌کنند. رود بلندی که از کوه‌های سقز و بانه در کردستان سرچشمه می‌گیرد و بعد از حرکت در بوکان و میاندوآبِ آذربایجان غربی خود را به تن خشک دریاچه ارومیه می‌رساند. جایی که قرار بود رودهای کوچک و بزرگ دور هم جمع شوند و بهشت دریاچه را بسازند اما حالا از شکوهِ رقصِ رودها روی تن نرم و نمکینِ دریاچه ارومیه تنها آب‌باریکه‌هایی مانده که معنی رود و دریاچه را به سخره می‌گیرند. این روزها حال سیمینه‌رود بد نیست. از شدت ریزش بارانِ گِل‌آلود شده اما شکایتی ندارد. نزدیک غروب آفتاب است و ابرهای بالای سر رود به رنگ خاکستری درآمده‌اند. ابرهایی که از آسمان هم پایین‌تر آمده و اگر دستم را بالا ببرم می‌توانم تکه‌ای از آن را بِکَنَم. این ابرهای پنبه‌ای به‌هم‌فشره با مخلوطی از رنگ سیاه و سفید، باران را نوید می‌دهند. باد هم خبر باران را دم گوش سیمینه‌رود می‌گوید و می‌رود اما سیمینه‌رود اصلا حواسش به پیغام باد نیست. او سخت مشغول تماشای زنان کنار رود است. زن جوانی، با لباس محلی گلبهی‌رنگ، با چشمان و ابروهای مشکی و لبخند پهنِ زیبایش، هوش از سر رود برده. اینجا در روستای درویشان شهر بوکان، جایی که درختان باریک‌اندام، در حاشیه رودخانه قد کشیده‌اند و رنگ قهوه‌ای و زرد خزان‌زده چشمت را پر می‌کند، تازه عروس و دامادی هم برای گرفتن آلبومی از عکس‌های عاشقانه خود را به زحمت به رود رسانده‌اند. هر دو لباس کردیِ خوش‌رنگی به تن دارند. پشت به سیمینه‌رود و رو به دوربین ژست‌هایی می‌گیرند. در روستای پدری‌شان برای روزهای گرم آینده خاطره می‌سازند و بزرگ‌ترین سهم از این خاطره از آن سیمینه‌رود است. ابرها دیگر حسابی کبود شده‌اند. خیلی زود می‌ترکند و رگبار شدید باران شروع می‌شود. صدای باران دیگر نمی‌گذارد صدای سگ‌های گله داخل روستا به گوش برسد. ممکن است رود طغیان کند اما همه خوشحالند و شکرگزار این باران. این رگبار باران، بیشتر از همه تالاب قره‌گل را خوشحال می‌کند. اگر سیمینه‌رود آب داشته باشد قره‌گل هم جان می‌گیرد. تالابی با مساحت ۳۰۰ هکتار در ۴۰ کیلومتری جاده بوکان به میاندوآب که اگر آب داشته باشد زیستگاه امنی برای پرندگان است. این روزها هم حال و روزش بد نیست. بخشی از پیکر او آب گرفته و زنده شده است اما هنوز پرآب نشده و چشم امیدش را به آسمان دوخته است.

سیمینه‌رود و دریاچه ارومیه نامشان در کنار هم می‌آید. دریاچه مدیون این رود است البته اگر بگذارند که آبش را به دریاچه برساند. یکی دو سد و منحرف‌کردن آب آن برای آبیاری زمین‌های کشاورزی و کم‌شدن ریزش باران، سیمینه‌رود را کم‌رونق جلوه می‌دهد. تعرض به حریم و بسترش هم در این کم‌رونقی نقش دارد. بعضی که از بد روزگار قدرت در دستشان است، قانون را دور می‌زنند، بستر رود را فنس و حصار می‌کشند و به دیگران می‌فروشند یا اجاره می‌دهند. کشاورزان هم به غلط در دل بستر سیمینه‌رود کشت‌وکار می‌کنند. اگر باران تند شود و رود طغیان کند، حق ندارند از رودخانه گله کنند، چون آنها هستند که به سیمینه‌رود تجاوز کرده‌اند و هر آن ممکن است رود انتقامش را از آنها بگیرد.

بفروان آخرین ایستگاه سیمینه‌رود قبل از رسیدن به مقصد دریاچه ارومیه است. چند کیلومتر پایین‌تر از این روستا، رود با کمک کانالی به پیکر دریاچه ارومیه می‌رسد. در مسیر هم با گدار چای و زرینه‌رود هم دیدار می‌کند.

گرچه در همه این مدت چشمم را از رود می‌دزدیدم اما مجبورم اعتراف کنم که در چشم من سیمینه‌رود زنی است قوی، زیبا، خوش‌رو، صبور و بخشنده. روح دارد. وقتی در نگاهش غرق می‌شوی با تو حرف می‌زند. دستانش را دور تو حلقه می‌کند. تو را در آغوش می‌کشد و در گوشت با نوایی کردی آهنگی زمزمه می‌کند که گرچه غمناک است اما نوید روزهای روشن را می‌دهد.

همه چیز درباره عدالت آموزشی در روستاهای ایران

حامد عرب‌زاده‌جمالی: در مقاله‌ای که تحت عنوان «خلاصه مسائل آموزش و پرورش ایران» به همت گروهی از کارشناسان حوزه آموزش منتشر شد، به فقدان عدالت آموزشی در کشور اشاره‌هایی شد. چالش‌هایی که در این مقاله آمده است، به بهره‌وری پایین آموزش به شکل کلی و به‌طور اخص در مناطق کمتر برخوردار اشاره دارد و زنگ خطر را برای آینده آموزش کشور به صدا درآورده است؛ همچنین اینکه امکانات کشور در حوزه آموزش، به شکلی ناعادلانه تقسیم شده که می‌تواند گروه بزرگی از دانش‌آموزان این مرز و بوم را از آموزش باکیفیت محروم کند. در متن حاضر قصد داریم به شاخه‌ای از این عدم توازن آموزشی بپردازیم؛ درخصوص کیفیت و چالش‌های آموزش در مناطق روستایی و عشایری کشور. بنا به گفته مدیر کل دفتر توسعه عدالت آموزشی و عشایر کشور، بیش از ۳.۵ میلیون دانش‌آموز ایرانی، روستایی یا عشایری هستند. بزرگی این عدد را زمانی می‌توان به درستی درک کرد که آن را با ۱.۸۷ میلیون دانش‌آموز سراسر کشور فنلاند مقایسه کرد. پرسش مهم در این زمینه این است که نظام آموزش کشور، تا چه اندازه در زمینه آموزش این کودکان، موفق عمل کرده است. آمارهای منتشرشده نشان می‌دهد که وضعیت آموزش در روستاهای ایران، وضعیتی نابسامان و بسیار دورتر از چشم‌اندازهایی دارد که در دوره‌های مختلف، برای آینده ایران ترسیم شده است. برای بررسی علل این ناکامی، می‌توان عوامل گوناگون و بسیاری را برشمرد؛ اما به شکل کلی، این عوامل در چند گروه، دسته‌بندی می‌شوند:

۱) نبود مدرسه در برخی از روستاها: در بسیاری از روستاهای کشور، مدرسه‌های دبستان ساخته شده و موجود است. بنا به آمار سال تحصیلی ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲، به‌ازای هر دو روستا، یک دبستان وجود دارد؛ ولی این موضوع، برای دوره‌های اول و دوم دبیرستان صدق نمی‌کند و بسیاری از دانش‌آموزان روستایی، پس از پایان دوره ابتدایی، توان و امکان ادامه تحصیل ندارند و دانش‌آموزان باید راه زیادی را برای رسیدن به یک دبیرستان (دوره اول یا دوم) طی کنند. اغلب این مناطق، از راه‌های امن و سرویس‌های رفت‌وآمد مناسبی بهره نبرده‌اند که این موضوع می‌تواند مخاطرات جانی و امنیتی برای دانش‌آموزان به‌همراه داشته باشد. این موضوع، به‌ویژه درباره دانش‌آموزان دختر معضل بزرگ‌تری است؛ زیرا بُعد مسافت می‌تواند در کنار بستر تفکرات سنتی و فرهنگی مناطق روستایی و عشایری، دانش‌آموزان دختر را از ادامه تحصیل باز بدارد.

۲) نبود تجهیزات: بسیاری از این مدارس، با کمبود تجهیزات آموزشی مواجه هستند؛ این کمبود را می‌توان در نبود آزمایشگاه‌های علمی، فقدان کامپیوتر، عدم دسترسی به اینترنت، نبود کتابخانه دانش‌آموزی و کمبود جدی فضا و تجهیزات ورزشی یافت. وجود هرکدام از این موارد، می‌تواند سبب ایجاد جذابیت و انگیزه در دانش‌آموز شود و نبود آنها می‌تواند مدرسه را به فضایی غیرمؤثر تبدیل کند. در برخی از مدرسه‌هایی که توسط خیّران مدرسه‌ساز و سازمان‌های مردم‌نهاد ایجاد شده‌اند، این امکانات تا حدودی فراهم آمده است، ولی در این موارد هم نبود نیروی انسانی مؤثر و کارآمد، وجود این امکانات را از فایده می‌اندازد.

۳) کلاس‌های چندپایه: یکی از چالش‌های جدی پیش‌روی مدرسه‌های روستایی و عشایری، وجود کلاس‌های چندپایه به‌ویژه در مقطع ابتدایی است؛ کلاس‌هایی که دانش‌آموزان در چند سطح علمی مختلف، با یک معلم در کلاس می‌نشینند و هرکدام نیازها و برنامه‌های آموزشی متفاوتی دارند. به عنوان مثال، بنا به گفته مدیر کل دفتر توسعه عدالت آموزشی و عشایر کشور، بیش از ۷۵ درصد از کلاس‌های عشایری کشور، به شکل چندپایه برگزار می‌شوند. این عامل، یکی از مهم‌ترین دلایل افت کیفیت یاددهی و یادگیری در دانش‌آموز و معلم است. یکی از دلایلی که برای وجود این مسئله عنوان می‌شود، کمبود جدی معلم در این مناطق است که نمی‌تواند نیازمندی‌های دانش‌آموزان را تأمین کند؛ در این راستا، مقام فوق در آبان ۱۴۰۱، اعلام داشته که نظام آموزشی کشور به بیش از سه هزار معلم برای تدریس در مناطق عشایری نیاز دارد.

۴) ضعف نیروی انسانی: درباره کمبود تعداد معلم و مربی در مدارس روستایی و عشایری، بالاتر صحبت شد؛ ولی، ضعف کیفی در میان معلمان این مناطق، موضوع دیگری است.

بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های تربیت معلم، به دلایل اقتصادی و سختی رفت‌وآمد، انگیزه‌ای برای حضور در مناطق روستایی و عشایری ندارند و تدریس در شهرها را ترجیح می‌دهند. از سوی دیگر، نظام آموزشی برای پرکردن این جای خالی، دست به دامن سربازمعلم‌ها و سایر استخدامی‌های آموزش و پرورش شده است که برای آموزگاری، آموزش ندیده‌اند و تنها در برخی دوره‌های آموزشی شرکت کرده‌اند که نمی‌تواند آنها را برای این شغل خطیر، آماده کند. نتیجه این موضوع، می‌تواند خود را در مواجهه با دانش‌آموز، تسلط علمی بر مفاهیم موجود در کتاب و شیوه‌های آموزشی و روش تدریس نشان بدهد. ضعف در این موارد، سبب از بین رفتن انگیزه و علاقه دانش‌آموز به مدرسه و آموزش شده و ادامه تحصیل او را در مقاطع بالاتر، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتایج آزمون‌های بین‌المللی نیز مانند پرلز و تیمز نشان می‌دهد که دانش‌آموزان ایرانی، نه در قیاس با کشورهای پیشرفته دنیا بلکه در قیاس با دانش‌آموزان کشورهای منطقه، وضعیت چندان مطلوبی ندارند. از سوی دیگر، بررسی نتایج آزمون‌های نهایی در پایه‌های ششم، نهم و سال یازدهم، نشان از وضعیت نامناسب کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان ایرانی دارد؛ به‌ویژه درخصوص درس‌های ریاضی و فارسی (مهارت خواندن و نوشتن) این وضعیت بحرانی‌تر است. یکی از مهم‌ترین دلایلی که می‌توان برای این وضعیت برشمرد، عدم بهره‌مندی نظام آموزش، از معلمان باکیفیت و آموزش‌دیده است. این موضوع، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار کشور، وضعیتی وخیم‌تر پیدا می‌کند. یکی از راهکارهای نظام آموزش و پرورش، برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت برای معلمان است؛ اما این موضوع، با توجه به ماهیت «دولتی‌بودن» فرایند و عدم تأثیرگذاری بر زیست و معیشت معلمان، از انتفاع افتاده و نمی‌تواند هدف مورد نظر را محقق کند.

۵) دانش‌آموزان دوزبانه: در بیش از ۱۳ استان مرزی ایران، دانش‌آموزان دوزبانه بسیار زیادند؛ این موضوع، البته در برخی از استان‌های مرکزی ایران هم وجود دارد؛ استان‌هایی نظیر سمنان، زنجان، قزوین، کرمان و... .

در این مناطق تعدد دانش‌آموزان دوزبانه، به‌ویژه در روستاها و در میان عشایر، بیشتر است. این موضوع، شاید بتواند یک فرصت کم‌نظیر برای آموزش ایجاد کند، اگر بتوان با سیاست‌های مناسب و متناسب، زبان‌آموزی دانش‌آموزان را تقویت کرد. اما به چند دلیل، این فرصت، تبدیل به تهدید می‌شود؛ از جمله این دلایل، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۵-۱) حضور معلمان غیربومی که با زبان محلی آشنایی ندارند؛ این معلمان، علاوه بر ناآشنایی به زبان محلی، برای مواجهه با این شرایط هم آموزش ندیده‌اند و اغلب، نمی‌توانند از شیوه‌های آموزشی نوین در این زمینه، استفاده کنند.

۵-۲) کم‌سوادی/ بی‌سوادی خانواده‌های دانش‌آموزان این مناطق و عدم مشارکت آنان در آموزش کودکان: این موضوع ارتباط مستقیمی با میزان برخورداری آن منطقه از توزیع ثروت کشور دارد که می‌تواند تبدیل به یک حلقه بازتولید فقر مالی و فقر سوادی شود.

۵-۳) ممنوعیت آموزش زبان‌های بومی: در نتیجه، ایجاد نکردن اتصال زبانی میان زبان مادری و زبان رسمی کشور. تنوع زبانی ایران، می‌تواند یک فرصت کم‌نظیر برای والایش کیفیت آموزشی مناطق مختلف شود؛ اما بعضا برخورد نامناسب با آموزش زبان‌های محلی، این فرصت را به تهدید تبدیل می‌کند؛ زیرا آموزش رسمی مدرسه، نمی‌تواند در فضای خانه و با اعضای خانواده ـ به‌عنوان پشتیبانان آموزشی کودک ـ ادامه یابد. یکی از راهکارهایی که در کشورهای دیگر، آزموده شده و نتایج مطلوبی را به بار آورده است، ترویج آموزش در مقطع پیش‌دبستانی است. این راهکار، ولی در مناطق کمتربرخوردار ایران، عملی نشده است؛ نبود انگیزه برای ورود بخش خصوصی به این حیطه و نیز فقدان بودجه دولتی برای راه‌اندازی پیش‌دبستانی‌ها در این مناطق، از دلایل عدم توفیق در این زمینه است.

۵-۴) فقدان دسترسی به اینترنت و عدم اتصال ذهنی و زبانی کودک به زبان رسمی کشور: بیشتر این مناطق، به دلیل فقر و بهره‌مندنبودن از امکانات، تحت پوشش مؤثر اینترنت نیستند و معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها در این مناطق، نمی‌توانند به شکل مؤثری با سایر نقاط کشور و دنیا ارتباط برقرار کنند و این، ویژگی منزوی‌بودن و پرت‌افتادگی این مناطق را بازتولید می‌کند.

وجود این چالش‌ها، سبب می‌شود دانش‌آموز تا سطوح بالاتر آموزشی، هنوز از توان نوشتن، خواندن و فهمیدن متن به زبان رسمی کشور عاجز باشد. این ضعف می‌تواند دانش‌آموز را در همه درس‌های مصوب نظام آموزشی ـ نه‌تنها درس ادبیات فارسی، بلکه درس‌های ریاضی، علوم و... ـ به مشکل بیندازد؛ چرا که برای درک و فهم همه دروس، یادگیری زبان رسمی لازم است.

از سوی دیگر، این موضوع می‌تواند در بلندمدت، فرایند جامعه‌پذیری دانش‌آموز و اتصال فکری و فرهنگی او را با فرهنگ عمومی ایران با اشکال مواجه کند. این موضوع، در سطح کلان، می‌تواند برخی مخاطرات را هم به دنبال داشته باشد؛ چه، این مسئله به‌ویژه، گریبان‌گیر استان‌های مرزی ایران است که با آن سوی مرزهای سیاسی، قرابت زبانی، فرهنگی و... بیشتری دارند تا با مرکز کشور. برای بررسی بیشتر این موضوع، می‌توان به آمارهای رسمی کشور درباره دانش‌آموزانی که دوره آموزش خود را به پایان سال یازدهم نمی‌رسانند، مراجعه کرد. این آمارها، به‌ویژه بعد از دوران همه‌گیری کرونا، تشدید شده است و اگر برای حل آن، برنامه‌ریزی مؤثری صورت نگیرد، می‌تواند آینده کشور را با معضلات و بحران‌های جدی کارآمدی نیروی انسانی مواجه کند.

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای

شرکت ملی گاز ایران
شرکت پالایش گاز ایلام

شرکت پالایش گاز ایلام در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید .
شماره مناقصه: ۱۴۰۲/۱-۰۹۴
موضوع مناقصه : تجدید مناقصه خرید، نصب و راه اندازی منبع تغذیه برق بدون وقفه
مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) : به میزان : ۷۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه) : ضمانتنامه بانکی
آخرین مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد توسط مناقصه گران : ۱۴۰۲/۱۲/۰۵
آخرین مهلت درج اسناد در سامانه ستاد توسط مناقصه گران: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵
تاریخ اعلام نتیجه ارزیابی کیفی و گشایش پاکات الف : ۱۴۰۲/۱۲/۱۶
تاریخ اعلام نتیجه ارزیابی فنی : ۱۴۰۲/۱۲/۲۰
تاریخ گشایش پاکات مالی "ج": ۱۴۰۲/۱۲/۲۷
آدرس دریافت اسناد الکترونیک : www.setadiran.ir
آدرس پستی مناقصه گزار : ایلام / شهرستان چوار / صندوق پستی ۱۴۴-۶۹۳۶۱ / کدپستی ۶۹۳۷۱۷۰۱۱۰ /دبیرخانه کمیسیون مناقصات
* مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲۰۷۷ و ۳۲۹۱۲۸۵۰-۰۸۴ (دبیرخانه کمیسیون مناقصات) تماس حاصل فرمایند.
شناسه آگهی : ۱۶۶۷۱۲۹
نوبت اول : ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ نوبت دوم : ۱۴۰۲/۱۲/۰۱
۵۳۱۶۵۳۸۷
روابط عمومی شرکت پالایش گاز ایلام
۷۸۸۹